

نسبت «توجه به علم خدا» و «خویشنداری در انسان» از دیدگاه آیات و روایات

عبدالحسین کافی^۱

عبدالهادی مسعودی^۲

چکیده

از دیدگاه آیات و روایات، «توجه انسان به علم خدا» آثار نیک فراوانی برای او به همراه دارد. در میان این آثار، تأثیرهای اخلاقی این موضوع چشمگیرتر به نظر می‌رسد. «توجه به علم خدا»، هم سبب «پرهیز از رذایل» است و هم «آراستگی به فضایل». مقصود از «پرهیز از رذایل»، ترک گناه، ظلم، هواپرستی و مانند آن است. تعدادی از مصادیق جزئی‌تر این موضوع در آیات و روایات نام برده شده؛ مانند: پرهیز از بخل، بدگویی، تهمت، خیانت، خودستایی و ریا. با بررسی آیات و روایات، معلوم می‌شود میان این حوزه معنایی و برخی دیگر از حوزه‌های معنایی، رابطه‌ای نزدیک وجود دارد؛ مانند رابطه «آثار توجه به علم خدا» و «آثار ذکرالله» که «عموم و خصوص من وجه» است.

کلیدواژه‌ها: خداشناسی، اخلاق، علم خدا، رذایل، فضایل، خویشنداری، تقوا.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث؛ و پژوهشگر پژوهشکده علوم و معارف حدیث.
۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

۱. طرح مسئله

«علم»، یکی از مهم‌ترین و از جهتی، پیچیده‌ترین صفات الاهی است که در قرآن کریم و روایات مطرح شده است. دانشمندان متأله مسلمان هر یک در حد بضاعت علمی خویش به پرده‌برداری از ابعاد گوناگون این موضوع مهم پرداخته‌اند. یکی از جنبه‌های این بحث که در آیات و روایات به چشم می‌خورد، آثاری است که برای این موضوع در این متون به ما رسیده است (نک: هاشمی رفسنجانی و ...، ۱۳۷۹: ۲۱، ۸۳-۹۹).

اگر صفت علم الاهی در کانون توجه انسان قرار گیرد، آموزه «توجه به علم خدا» شکل می‌گیرد. «توجه به علم خدا» نیز فواید و آثار زیادی برای انسان دارد (نک: همان: ۱۰۰/۲۱-۱۰۶). این آثار، اعتقادی، فقهی، اخلاقی و غیر اینهاست. در این میان، آثار اخلاقی گسترده‌تر به نظر می‌رسد. این آثار به دو دسته کلی تقسیم‌پذیرند: پرهیز از رذایل؛ روی آوردن به فضایل. نگاشته حاضر، آثار «توجه به علم خدا» را بر حوزه نخست برمی‌رسد. توجه به «طرح‌واره یک»، این تأثیر را آشکارتر می‌سازد.



طرح‌واره یک

در نگاه ابتدایی، این آثار به صورت «طرح‌واره دو» به نظر می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



طرح‌واره دو

روش این پژوهش، «تحلیلی، اسنادی و کتابخانه‌ای» است. بر اساس این روش، همه آثار توجه به علم خدا در زمینه خویشتر داری انسان، که در قرآن کریم و بسیاری از روایات معصومان (ع) آمده، تحلیل و بررسی شده است.

۲. جامع آثار

در بررسی اولیه، ذهن از مجموعه آثار «توجه به علم خدا»، یک مفهوم کلی انتزاع می‌کند. این مفهوم، «پرهیز از رذایل» است که پرهیز از گناه، ظلم، هواپرستی و ...، مصادیق آن را شکل می‌دهند. در این چشم‌انداز نخستین، هیچ رابطه‌ای میان مصادیق به ذهن نمی‌رسد و همه آنها در یک مرتبه به نظر می‌رسند. در ادامه، تحلیل این متون، طرح‌واره نخستین را به طرح‌واره‌ای جدید تبدیل می‌کند؛ زیرا در این مرحله، متون به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای که به طور کلی از گناه نهی می‌کنند و دسته‌ای دیگر که از مصادیق گناه و رذایل باز می‌دارند. شاید بتوان گفت، به طور کلی، بهترین اثر توجه به علم الهی، پرهیز از رذایل است؛ گرچه باید توجه داشت که رذایل، خود مراتبی دارند. از دیدگاه قرآن، توجه به علم خدا سبب می‌شود انسان مؤمن: الف. دست از خیانت بردارد و نقشه‌های ناروا به ضرر مسلمانان نکشد (نساء: ۱۰۷-۱۰۸)؛ ب. به سوی گناه نرود (توبه: ۱۰۵)؛ ج. شیوع زشتی‌ها در میان مؤمنان را دوست ندارد (و به اشاعه آن نپردازد)، (نور:

۱۹؛ د. اگر برای ورود به اماکنی غیرمسکونی (مانند حمام‌ها، کاروان‌سراها و آسیاها) بدون اذن، اجازه ورود داده شده، می‌داند که در این اماکن نباید به عصیان پروردگار بپردازد (نور: ۳۹)؛ هـ مطیع فرمان خدا خواهد بود و به هنگام دعوت پیامبر برای جهاد، سوگند دروغ در مطیع بودن برای آن حضرت یاد نمی‌کند (نور: ۵۳)؛ و. چنین کسی در مقابل امر پیامبر عصیان نمی‌کند (نور: ۶۳-۶۴).

در برخی از آیات بر این مطلب تأکید شده که خدا نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها پنهان می‌دارند می‌داند و از این‌رو، جا دارد که ستم‌کاران دست از ظلم بردارند. (غافر: ۱۸-۱۹).^۱ در این آیه، گرچه، «ظلم» مطرح است، اما شاید بتوان، ظلم را هم یکی از مصادیق ردیلت دانست و بر متحد بودن اثر علم الاهی در «پرهیز از ردایل» تأکید مجدد کرد. به عبارت دیگر، «ظلم»، یکی از جانشین‌های^۲ ردایل در آیات این موضوع به شمار می‌رود.

در آیه‌ای دیگر، به این نکته تصریح شده که خدا به آنچه انسان‌ها انجام می‌دهند، آگاه است؛ از این‌رو، نهی از هواپرستی در ادای شهادت شده است (نساء: ۱۳۵).^۴ هواپرستی نیز یکی از مصادیق گناه است؛ از این‌رو، می‌توان آن را از دیدگاه معناشناختی، یکی از جانشین‌های ردیلت دانست.

روایات نیز بر مضمون این آیات تأکید دارند. امام رضا (ع) در حدیثی بر این نکته تصریح می‌کنند که انسان‌ها گاهی گناهی می‌کنند که از دیگران پنهان است و اگر اقرار به خدا و ترس از او در خلوت نباشد، هیچ کس هنگامی که با شهوت و خواسته دل خود تنها شود، برای ترک معصیت و هتک حرمت و انجام گناهان بزرگ از کسی نخواهد هراسید و با چنین حالتی، همه مردمان نابود خواهند شد؛ پس برپایی زندگی و صلاح انسان‌ها تأمین نخواهد شد، جز اینکه اقرار داشته باشند به خدایی آگاه و دانا، که پنهان و پنهان‌تر از آن را می‌داند، به نیکی امر و از زشتی نهی می‌کند و هیچ چیز بر او پوشیده نیست، تا با چنین افرادی از زشتی‌های فراوان دست بکشند (نک: ابن بابویه، ۱۴۰۸: ۲۵۲، ج ۹؛ همو، ۱۴۰۴ الف: ۹۹/۲، ج ۱؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۰/۳، ج ۲۳). آنچه را امام در این حدیث فرموده‌اند دقیقاً امروزه در تعدادی از جوامع غربی دیده می‌شود. در این جوامع به محض اینکه مراقبت نیروهای امنیتی کاهش می‌یابد، میزان جرم و جنایت، افزایش بیشتری پیدا می‌کند.^۵ در حدیثی دیگر، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر کس خدا را بشناسد و عظمتش را دریابد، دهانش را از سخن و شکمش را از غذا، نگه

می‌دارد و با روزه و نماز، خویشتر داری می‌کند».^۶ همچنین امام علی (ع) فرمود: «کسی که [خدا] را شناخت، [از انجام گناهان] باز ایستاد».^۷ چکیده آنچه گذشت این است که گرچه آثار «توجه به علم خدا» با تعبیرهایی نظیر «پرهیز از گناه، ظلم و هواپرستی» در آیات و روایات بیان شده، اما شاید بتوان جامع این آثار را «پرهیز از رذایل» دانست.

۳. تأکید بر موارد خاص

افزون بر تأثیر توجه به علم خدا در ترک رذایل به طور کلی، در آیات و روایات، تأثیر آن در ترک تعدادی از رذایل اخلاقی به طور خاص تصریح شده است. به عبارت دیگر، این دسته از رذایل، شمارش مصادیق یک مطلب کلی (ترک رذایل) است. دقت در «طرح‌واره سه»، این مطلب را به فهم نزدیک‌تر خواهد کرد.



۳.۱. پرهیز از بخل

در آیه ۱۸۰ سوره آل عمران،^۸ خدای متعال به کسانی که بخل می‌ورزند هشدار داده که گمان نکنند بخل، برای آنان بهتر است؛ بلکه برای آنها بدتر است و خدا به کار آنان آگاه است. تصریح و تأکید بر آگاهی خداوند بر اعمال بخیلان، برای این است که اگر آنان به علم خدا به کرده خویش التفات داشته باشند، جا دارد که از بخل دست بردارند.

روایات نیز همین مضمون را در خود جای داده است. کسی که خدا را آگاه به انفاق خویش بداند و او را توانا بر پاداش‌دهی و جایگزینی مال انفاق‌شده خویش بداند، بخل را رها کرده، رو به سخا خواهد آورد.^۱ همچنین تعدادی دیگر از روایات تصریح دارند که یکی از بسترهای مهم «بخل»، «سوءظن به خدا» است، زیرا کسی خدا را ناظر بر انفاق خویش نبیند و یا اگر ناظر می‌بیند در قدرت او شک داشته باشد و یا اگر ناظر و قادر می‌بیند، در وفای او به وعده‌هایش دچار تردید باشد، از انفاق و جود روی‌بررفته، بخل می‌ورزد (نک: الری شہری، ۱۳۹۰: ۱۵۶/۷-۱۵۷، ح ۷۸۶۴-۷۸۷۱). همان‌گونه که آشکار است، این دو دسته از روایات، دو روی یک مطلب را بازگو کرده‌اند. دسته‌ای به تأثیر «اعتقاد انسان به علم خدا به اعمال نیک انسان» در پرهیز از بخل پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر به تأثیر «بی‌اعتقادی به علم، قدرت و وفاداری خداوند به وعده‌های خود» در روی آوردن به بخل پرداخته‌اند.

۲.۳. پرهیز از بدگویی

بدگویی آشکارا از مؤمنان، یکی از کارهایی است که خدا دوست ندارد (نساء: ۱۴۸)^۱ و از گناهان کبیره است. در مذمت غیبت، آیات و روایات فراوان وجود دارد. حرمت غیبت در برخی از موارد استثنا شده و نصوص دینی این کار را جایز شمرده‌اند. یکی از این موارد، کسی است که به او ظلم شده است. چنین فردی مجاز است تا برای رفع ظلم از خود، از ظالم بدگویی کند، اما باید بداند که خدا سخن او را می‌شنود و به عملکرد او آگاه است (نساء: ۱۴۸). از این رو، برای او روا نیست همه بدی‌های ظالم را بیان کند؛ بلکه باید در این کار، به میزانی که از او رفع ظلم شود و حق خود را بستاند و تنها ظلمی که بر او رفته را بیان کند و حق تجاوز از این حد را ندارد. چنین مظلومی اگر به شنوا و دانا بودن خدای تعالی (نساء: ۱۴۸) توجه کند، تعدی از حدی را که شرع اجازه داده، بر خود روا نمی‌داند.

روایات متعدد نیز مضمون این آیه را تأیید می‌کند (نک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۶۸/۱). تعدادی از علما نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند و نیز تأکید کرده‌اند که این غیبت و بدگویی باید محدود به «ظلم واقع‌شده در حق مظلوم و برای احقاق حق از دست‌رفته خود» باشد، نه چیز دیگر (نک: الشہید الثانی، ۱۳۹۰: ۳۳: المجلسی، ۱۳۷۰: ۴۱۹/۱۰-۴۲۹؛ همو، ۱۴۱۲: ۲۳۱/۷۲-۲۴۰).

۳.۳. پرهیز از تهمت

تهمت، یکی از گناهان بزرگ است (نک: کلینی، ۱۳۸۹: ۲۸۵-۲۸۶، ح ۲۴). رسول خدا (ص) اسامه بن زید را به فرماندهی جمعیتی به سوی قبیله‌ای از یهود فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. در آن منطقه مردی بود به نام مرداس بن نهیک فدکی. او به طرف اسامه آمد در حالی که می‌گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله». وقتی نزدیک شد، اسامه با اینکه شهادت او را می‌شنید، ضربتی بر او زد و به قتلش رساند. هنگامی که به حضور رسول خدا (ص) رسید، ماجرا را توضیح داد؛ رسول خدا او را به شدت سرزنش کرد (نک: القمی، ۱۳۶۷: ۱۴۹/۱)^{۱۱} و آیه نازل شد که:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا [برای کارزار] بیرون روید نیک بنگرید و واریسی کنید و به آن کسی که به شما سلام- یا پیشنهاد صلح- کند، مگویید تو مؤمن نیستی در حالی که [با این دستاویز] کالای زندگی دنیا می‌جوئید، [و اگر این را می‌خواهید] پس نزد خدا غنیمت‌های بسیار است. شما پیش از این چنین بودید و خدا بر شما [به راه نمودن به اسلام] منت نهاد، پس نیک بنگرید و واریسی کنید، که خداوند بدانچه می‌کنید آگاه است (نساء: ۹۴).^{۱۲}

جمله پایانی آیه فوق (والله سمیع علیم) مؤمنان را هشدار می‌دهد که باید خدا را شنوا و دانا به گفتار و رفتار خویش بدانند و برای غنیمت‌جویی (که در متن آیه آمده) و یا به دلیل کینه‌های جاهلی به انسان مؤمن، تهمت بی‌ایمانی نزنند (نک: رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۱۹۰). در آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره نساء نیز خداوند مؤمنان را بر پرهیز از تهمت تحریر کرده است. این دو آیه، در مورد چهارم (پرهیز از خیانت)، بررسی خواهد شد. روایات نیز بر این نکته تأکید دارند که مؤمنان باید بدانند که خدا به اعمال آنان آگاه است. از این رو باید از تهمت زدن پرهیزند. علی (ع) فرمود:

ای مردم! هر کس برادر خود را به استواری دین و درستی راه شناخت، هرگز به گفته‌های مردم درباره او گوش نسپارد. زنهار که گاه، تیرانداز تیر می‌افکند و تیرهایش به خطا می‌رود، و بسی سخن که خلاف حقیقت است، گفتار باطل، تباه است و خداوند شنوا و گواه (شریف رضی، ۱۳۶۹: ۱۹۷، خطبه ۱۴۱؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۹۷/۷۵، ح ۱۶).

۴.۳. پرهیز از خیانت

خیانت نیز از گناهان بزرگ است و اگر خائن بداند که خدای متعال بر اعمال او احاطه دارد، جا دارد که از خیانت دست بردارد. چند نفر از انصار مقداری غذا و شمشیر و زره دزدیدند و سرقت خود را به یکی از مسلمانان نسبت دادند (نک: القمی، ۱۳۶۷: ۱۵۰/۱-۱۵۱). قرآن کریم کار آنان را خیانت نام نهاده، آنان را سرزنش کرده است که سخنان ناپسند شبانه خویش را از مردمان پنهان می‌کنند، اما توان پنهان کردن آن را از خدا - در حالی که با آنان است - ندارند. در پایان، قرآن کریم بر این مطلب تأکید فرموده که خدا به آنچه می‌کنند احاطه دارد.^{۱۳} «در این آیه، سرزنش بسیار است برای کسی که شرم و حیا از مردم او را از انجام کارهای زشت باز می‌دارد و ترس از خدا او را از انجام این امور باز نمی‌دارد؛ در حالی که خدا، سزاوارتر است که مد نظر باشد و [از نافرمانی او] حذر شود. همچنین، این آیه، کسی که کار زشتی را انجام دهد و آن را به دیگری - چه مسلمان و چه کافر - نسبت دهد، توبیخ می‌کند» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۶۴/۳).

در سوره غافر پس از آنکه خدا پیامبرش را مأمور می‌سازد تا مکلفین را از روز قیامت بترساند، در آیه ۱۹ به آنان گوش‌زد می‌کند که «خدا خیانت چشم‌ها و آنچه را سینه‌ها در خود پنهان می‌دارند، می‌داند»^{۱۴} تا همه مکلفان، به ویژه گناهکاران، بدانند که حتی نگاه‌های خائنه و حتی کفر، نفاق و دیگر گناهیانی را که در سینه پنهان کرده‌اند و اظهار نکرده‌اند نیز می‌داند تا چه رسد به بقیه اعمال (نک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷/۱۷). اگر حاکم تا این حد، آگاه باشد، ترس گناه‌کار از او شدید خواهد بود (نک: رازی، ۱۴۲۰: ۵۰۵/۲۷).

۵.۳. پرهیز از خودستایی

خودستایی، کاری ناپسند است (نک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۶۵/۵). خدای متعال پس از آنکه یادآور می‌شود که هنگامی که انسان‌ها را از زمین آفریده و هنگامی که در شکم‌های مادرانشان بوده‌اند، به آنان آگاه‌تر است [پس چگونه بقیه اعمال آنان بر وی مخفی می‌ماند]، می‌فرماید: «فلا تزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی»؛ پس خود را مستایید که او داناتر است به آن که پرهیزگاری کرده است (نجم: ۳۲).^{۱۵}

به عبارت دیگر، اگر مؤمنان بدانند که خدای تعالی به هنگام آفرینش آنان و هنگامی که جنین بودند در شکم مادرانشان، و حالاتشان را حتی خود نمی‌دانستند [تا چه رسد به دیگران]؛ اما خدا بر کوچک‌ترین تحولات جسمی و روحی آنان آگاه بود، [جا

ندارد به نافرمانی خدا بپردازند] تا چه رسد که خود را بستایند [و از بدی‌ها مبرا بدانند]؛ زیرا خداوند به کسی که تقوا پیشه کند داناتر است.

روایات بسیاری مطابق مضمون این آیه از معصومان صادر شده است، دال بر اینکه کسی که توجه داشته باشد که خدا اعمال نیک و بد او را می‌داند، جایی برای خودستایی خویش نمی‌بیند و جز در موارد خاص - که مجاز شمرده شده- به ستایش خویش نمی‌پردازد (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۸۱، ح ۴). بر اساس روایات، مؤمن از آنجا که می‌داند خدا بر اعمال او اطلاع دارد، از ستودن اعمال خویش از سوی دیگران، شاد نمی‌شود، بلکه از این کار جلوگیری می‌کند و درصدد برمی‌آید تا تکالیف خویش را در محضر الهی ادا کند (شریف رضی، ۱۳۶۹، خطبه ۲۱۶). از آنجایی که آگاهی او به خطاهای خود نزد خدا بیشتر است، به هنگام ثناگویی دیگران از خدا می‌خواهد که او را مدد رساند تا بهتر از مرتبه گمان دیگران درباره او شود و از خطاهای خویش در بارگاه الهی، طلب آمرزش می‌کند (همان، حکمت ۱۰۰ و خطبه ۱۹۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲؛ نک: ری شهری، ۱۳۷۵: ۴/۲۸۶۰-۲۸۶۵).

۳.۶. پرهیز از ریا

ریاکاری، یکی از کارهای ناپسند است. ابوسفیان هنگامی که با تردستی خاصی کاروان تجارتی قریش را از قلمرو مسلمانان به سلامت بیرون برد، کسی را به سراغ ارتش قریش، که عازم میدان بدر بود، فرستاد با این پیغام که دیگر نیازی به مبارزه شما نیست، باز گردید؛ ولی «ابوجهل» که غرور و تکبر و تعصب خاصی داشت سوگند یاد کرد که ما هرگز باز نمی‌گردیم تا اینکه به سرزمین بدر برویم (و بدر قبل از این جریان یکی از مراکز اجتماع عرب بود که در هر سال، بازار تجارتی در آن تشکیل می‌شد) و سه روز در آنجا خواهیم ماند، شترانی ذبح می‌کنیم، غذای مفصلی می‌خوریم، شراب می‌نوشیم و خوانندگان برای ما می‌خوانند و می‌نوازند تا صدای ما به گوش عرب برسد و قدرت و قوت ما تثبیت گردد. اما سرانجام کارشان به شکست کشید و به جای جام شراب جام‌های مرگ نوشیدند، و در عوض «خوانندگان»، «نوحه‌گران» بر عزای آنها نشستند! قرآن کریم کار آنان را نکوهش کرده، می‌فرماید: «و مانند آن کسان - کفار قریش - مباشید که از خانه‌های خویش با سرمستی از نعمت و خودنمایی به مردم بیرون آمدند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و می‌گردانند» و در پایان بر این نکته تأکید دارد که «خدا بدانچه می‌کنید [دانایی] فراگیرنده است».^{۱۶} شاید جمله اخیر، اشاره به این باشد که اگر آنان به احاطه علم و قدرت الهی بر کار خویش علم و باور داشتند، مرتکب این کارهای زشت نمی‌شدند. از این رو، به

عقیده فخر رازی، جمله اخیر، عبارتی تهدیدآمیز و بازدارنده از ریاکاری و ظاهرسازی است (رازی، ۱۴۲۰: ۴۹۱/۱۵).

روایات فراوانی از معصومان (ع) درباره این موضوع رسیده که مؤمن نباید به مردم نشان دهد که از خدا می‌ترسد تا او را گرامی بدارند، در حالی که قلبش گنهکار است.^{۱۷} برای بنده‌ای که خدا او را [به نیکی] می‌شناسد، نباید مهم باشد که مردم [از اعمال نیک او] آگاه نباشند.^{۱۸} نجات بنده در این است که هدفش از انجام عبادت، نشان دادن آن به مردم نباشد (ورام بن ابی فراس، ۱۳۷۶: ۱۸۶/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۴۶۶، ح ۲۲). مؤمن نباید شرک در عبادت داشته باشد. یکی از مصادیق این شرک، این است که هدفش ستایش مردم از او و شنیدن این ستایش باشد (کلینی، ۱۳۸۹: ۲۹۴/۲، ح ۴؛ القمی، ۱۳۶۷: ۴۷/۲؛ العیاشی، ۱۳۸۰: ۳۵۲/۲). یکی از اوصاف مؤمن، این است که هیچ کار خیری را برای ریا انجام نمی‌دهد (ابن طلحه شافعی، ۱۴۲۰: ۵۳). از آن‌رو که مؤمن باید همیشه خدا را ناظر بر اعمال خویش ببیند و اگر چنین کند از گناه پرهیز خواهد کرد، اگر کسی کاری را برای غیر خدا انجام دهد و در برابر آن عمل، از خدا ثواب طلب کند، چنین کسی، ناپینا است (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۳۲۲، ح ۴)؛ زیرا هم ندیده که اعمال خویش را باید برای خدا انجام دهد و هم ندیده که ثواب عملی را که برای غیر خدا انجام داده، نباید از خدا طلب کند. سخن بهشت، این است که «من بر هر بخیل و ریاکاری حرام هستم» (مجلسی، ۱۴۱۲: ۳۰۵/۷۲، ح ۵۲؛ ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۱۰۲۲-۱۰۱۵/۲).

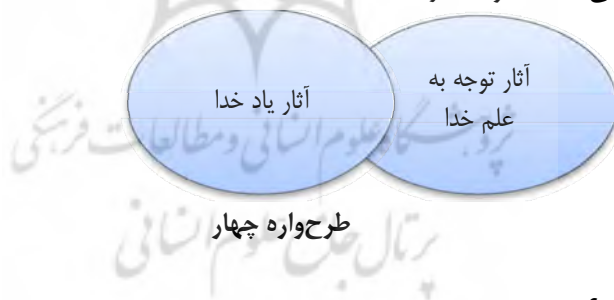
۴. نسبت درونی موارد این حوزه معنایی

گرچه جامع آثار توجه به علم الاهی، پرهیز از گناهان است، اما همان‌گونه که گذشت، قرآن کریم و روایات معصومان (ع) موارد متعددی از مصادیق گناهان و ردایل اخلاقی را برشمرده‌اند که اگر در این موارد به علم الاهی توجه شود، انسان از انجام آن دست خواهد شست. آنچه در اینجا مهم به نظر می‌رسد این است که آیا موارد این حوزه‌های معنایی (semantic fields) با هم نسبتی دارند یا نه؟ کاوش انجام‌گرفته حاضر، تبیین نسبتی منطقی و معنادار میان این حوزه‌ها دربرنداشت؛ گرچه همان‌گونه که گذشت همه این موارد و حوزه‌های معنایی ذیل پرهیز از گناهان می‌گنجد. همچنین با تأکید بر این نکته که گناهان دارای مراتب هستند و مصادیق موجود در آیاتی که گذشت، هر یک در مرتبه خاص خود هستند؛ مثلاً خودستایی در حد تهمت و خیانت نیست. گرچه مصادیق هر یک نیز دارای مراتب گوناگون (و به اصطلاح، «مقول به تشکیک»)

است. برای نمونه، همه خیانت‌ها در یک مرتبه قرار ندارند؛ برخی از برخی دیگر، زشت‌تر و شدیدترند.

۵. نسبت این حوزه معنایی با دیگر حوزه‌های معنایی

گرچه این موضوع خود مبتنی بر استخراج و بررسی دیگر حوزه‌های معنایی مرتبط با این حوزه معنایی و سپس سنجش نسبت این حوزه معنایی با آنهاست، اما می‌توان به برخی از حوزه‌های معنایی مرتبط با این حوزه، اشاره داشت. یکی از این حوزه‌ها، حوزه معنایی «آثار یاد خدا» است (الری شهری، ۱۴۲۸: ۱۲۱/۱-۱۵۴). دقت در متون این دو حوزه معنایی ما را به نتایج زیر رهنمون می‌شود: نخست، اینکه آشکار است که «توجه به علم خدا» با «یاد او»، یکسان نیستند و هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند؛ دوم، اینکه همان‌گونه که «توجه به علم خدا» آثار مثبت فراوانی دارد، «ذکر خدا» نیز بر اساس آنچه در آیات و روایات مشاهده می‌شود، چنین است (همان). سوم، اینکه نسبت آثار این دو (توجه به علم خدا و یاد خدا)، عموم و خصوص من وجه است (یعنی تعدادی از آنها مشترک است و هر یک از آن دو نیز آثار ویژه خود را دارد). برای نمونه، «مصونیت از اشتباه» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۱۰: ۲۳۵)، یکی از آثار ذکرالله است که می‌توان آن را بسیار نزدیک با برخی از آثار «توجه به علم خدا» دانست که در این مقاله بیان شد؛ یعنی همان‌گونه که «توجه به علم خدا» سبب می‌شود تا انسان از تعدادی از رذایل برحذر باشد، ذکر خدا نیز او را از سهو و اشتباه باز می‌دارد. توجه به «طرح‌واره چهارم» به فهم چگونگی رابطه این دو حوزه معنایی کمک خواهد کرد.



نتیجه‌گیری

۱. «توجه به آگاهی خدا» نسبت به رفتار انسان، تأثیر فراوانی در پرهیز انسان از بدی‌ها و اقبال او به انجام کارهای خوب خواهد داشت. شاید یکی از رازهای تأکید فراوان در «قرآن کریم» و روایات بر «علم خدا به سراسر جهان و رفتارهای خرد و کلان انسان»، تأثیر اخلاقی این موضوع باشد. البته بررسی آثار کمی و کیفی دقیق «علم خدا بر همه جهان و به طور ویژه بر

- رفتار انسان»، پژوهش‌های ژرف‌تری را در آیات و روایات می‌طلبد. همچنین سنجش تجربی هر یک از این موارد نیز نیازمند تحقیق‌های میدانی خاص خود است تا تأثیر کمی و کیفی آنها در مقام عمل نیز سنجیده شود.
۲. در میان آثاری که برای توجه به علم خدا در آیات و روایات به چشم می‌خورد، ارتباط معناداری به چشم نمی‌خورد، جز اینکه همه در «گناه و رذیلت بودن» مشترک هستند.
۳. نسبت این حوزه معنایی (آثار علم خدا) با دیگر حوزه‌های معنایی، قابل بررسی، پرفایده و با این حال، کاری پیچیده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۴۱۵). ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم.
۲. الأمدی التمیمی، عبد الواحد (۱۳۶۰). *غرر الحکم ودرر الکلم*، تحقیق: میر سید جلال الدین محدث الأرموی، طهران: جامعة طهران، الطبعة الثالثة.
۳. ابن أعثم الکوفی، أبو محمد أحمد (۱۴۱۱). *الفتوح*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء.
۴. ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*، تحقیق: السید هاشم الحسینی الطهرانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ الف). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، طهران: منشورات جهان.
۶. ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ ب). *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۷. ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی (۱۴۰۸). *علل الشرائع*، بیروت: دار إحياء التراث.
۸. ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی (۱۴۱۰). *الخصال*، تحقیق: علی أكبر الغفاری، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۹. ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی (۱۴۰۰). *الأمالی*، بیروت: مؤسسة الأعلمی، الطبعة الخامسة.
۱۰. ابن شعبه الحرانی، أبو محمد الحسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله*، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الثانية.
۱۱. ابن طلحة الشافعی، کمال الدین محمد (۱۴۲۰). *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*، قم: مکتبة آية الله المرعشی.

۱۲. ابن فهد الحلّی، أحمد بن محمد الأسدی (۱۴۱۰). عذّة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: أحمد الموحّدی، تهران: مكتبة وجدانی.
۱۳. الحلّی، حسن بن سلیمان (۱۳۷۰). مختصر بصائر الدرجات، قم: الرسول المصطفی.
۱۴. الدیلمی، أبو محمد الحسن بن أبی الحسن (۱۴۱۴). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، الطبعة الثانية.
۱۵. الرازی، فخر الدین محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتيح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. الری شهری، محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمة، قم: دار الحدیث.
۱۷. الری شهری، محمد (۱۳۹۰). موسوعة معرف الكتاب و السنة، قم: مؤسسة دار الحدیث.
۱۸. ری شهری، محمد (۱۴۲۸). نهج الذکر، قم: دار الحدیث.
۱۹. الشریف الرضی، أبو الحسن محمد بن الحسین (۱۳۶۹). نهج البلاغة، تحقیق: السيد كاظم المحمّدی و محمّد الدشتی، قم: انتشارات الإمام علی علیه السلام، الطبعة الثانية.
۲۰. الشهید الثاني، زین الدین بن علی (۱۳۹۰). كشف الریة، بی‌جا: دار المرتضوی للنشر.
۲۱. الطباطبای، محمد حسین (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. الطّبرسی، الفضل بن الحسن (۱۴۱۴). مكارم الأخلاق، تحقیق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۳. الطبرسی، أبو علی الفضل بن الحسن (۱۴۰۸). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: السيد هاشم الرسولي المحلاتی والسید فضل الله الیزدی الطباطبائی، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية.
۲۴. الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). تفسیر الطبری: جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۲۵. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۶. العیاشی السملی السمرقندی، أبو النضر محمّد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تحقیق: السيد هاشم الرسولي المحلاتی، طهران: المكتبة العلمية.
۲۷. الفتال النیسابوری، محمّد بن الحسن بن علی (۱۴۰۶). روضة الواعظین، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۲۸. القمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الكتاب.
۲۹. الكلینی الرازی، أبو جعفر محمّد بن یعقوب (۱۳۸۹). الكافی، تحقیق: علی أكبر الغفاری، طهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية.

۳۰. المجلسی، محمد باقر (۱۳۷۰). *مرآة العقول*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۲). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام*، تحقیق: دار إحياء التراث، بیروت: دار إحياء التراث.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. نصرتی، شعبان (۱۳۹۰). «معناشناسی علم در قرآن با تأکید بر حوزه‌های معنایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث.
۳۴. النوری، المیرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۵. الواسطی اللیثی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*، تحقیق: حسین الحسینی البیرجندی، قم: دار الحدیث.
۳۶. وزام بن ابی فراس، أبو الحسین (۱۳۷۶). *تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة ورام)*، بیروت: دار التعارف ودار صعب.
۳۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۷۹). *فرهنگ قرآن*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ * يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ».
۲. و نیز بنگرید به: فاطر: ۳۷-۳۸: «وَهُمْ يَضْطَرُّونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعْمَرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ * إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ».
۳. برای اطلاع بیشتر درباره «نسبت‌های معنایی» در «معناشناسی زبانی با رویکرد حوزه‌های معنایی» نک.: نصرتی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۶.
۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَإِنَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوْا أَوْ نَعَسْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا».
۵. بنگرید به:

<http://www.parset.com/News/ShowNews.aspx?Code=۱۰۰۹۴۱۴>

<http://rt.com/usa/news/authorities-sandy-storm-philadelphia-597/>

۶. «من عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ، وَبَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ، وَعَفَا نَفْسَهُ بِالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ» (کلینی، ۱۳۸۹: ۲۳۷/۲، ۲۵؛ دیلمی، ۱۴۱۴: ۱۱۲؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۰: ۳۸۰، ۴۸۲؛ ورام بن ابی فراس، ۱۳۷۶: ۶۶/۱؛ فتال نیسابوری، ۱۴۰۶: ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۶۹/۲۸۸، ح ۲۳).
۷. «من عَرَفَ كَفًّا» (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۷۶۴۵؛ واسطی، ۱۳۷۶: ۴۲۸، ح ۷۲۶۹؛ و نک.: شریف رضی، خطبه ۱۹۸؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۹۲/۴، ح ۴۴).

۸. «و لا یُحْسِنَنَّ الَّذِینَ یَبْتَخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ لِلَّهِ مِیرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ».
۹. رسولُ الله - صلی الله علیه و آله - : «مَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَةِ» (کلینی، ۱۳۸۹: ۴۳/۴، ح: ۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۶۲/۲، ح: ۱۷۱۲؛ طبرسی، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۱، ح: ۸۹۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۰: ۶۱۹، ح: ۱۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۰۹؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۹۸/۱۰، ح: ۱؛ و نیز نک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۹۳/۴، ح: ۵۸۳۶؛ همو، ۱۳۹۸: ۳۷۶، ح: ۲۱؛ همو، ۱۴۱۰: ۴۵۰، ح: ۵۵؛ همو، ۱۴۰۰: ۵۶، ح: ۱۲؛ حلی، ۱۳۷۰: ۱۳۸؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۳۰۰/۷۳، ح: ۱).
۱۰. «لا یُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِیعاً عَلِیماً».
۱۱. شأن نزول دیگری هم درباره یکی دیگر از صحابه، ذیل ابن ابی نعل شده است (نک: الطبری، ۱۴۱۲: ۴/الجزء ۵، ص ۲۲۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴۵/۳).
۱۲. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَتَبَیَّئُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَیْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَايِمٌ كَثِیرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَیْكُمْ فَتَبَیَّئُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرًا».
۱۳. نک: النساء: ۱۰۷-۱۰۸: «وَ لَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِینَ یَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِیمًا * یَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَ لَا یَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَ هُوَ مَعَهُمْ إِذْ یَبْتَیْنُونَ مَا لَا یَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا یَعْمَلُونَ مُحِیطًا».
۱۴. «یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ».
۱۵. «الَّذِینَ یَجْتَنِبُونَ كِبَایْرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ إِذْ أَنْتُمْ أَحْنَاءُ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى».
۱۶. «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ بَطْرًا وَ رِقَاءَ النَّاسِ وَ یَصُدُّونَ عَنِ سَبِیلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ بِمَا یَعْمَلُونَ مُحِیطًا» (الانفال: ۴۷).
۱۷. رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «یا أبا ذَرٍّ، اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُرِ النَّاسَ أَنْتَ تَخْشَى اللَّهَ فِیْكَرْمُوكَ وَ قَلْبُكَ فَاجِرٌ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۹/۱، ح: ۱۱۱ و نک: شریف رضی، ۱۳۶۹: حکمت ۲۷۶ و خطبه ۳۲؛ کلینی، ۱۳۸۹: ۲۹۵/۲، ح: ۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۱۲/۱، ح: ۱۲۱).
۱۸. الإمامُ الصادقُ علیه السلام: «... ما علی عبید إذا عَرَفَهُ اللَّهُ إِلَّا یَعْرِفُهُ النَّاسُ ...» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۶/۱، ح: ۱۰۶).

پژوهش‌های اخلاقی - سال چهارم - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی